

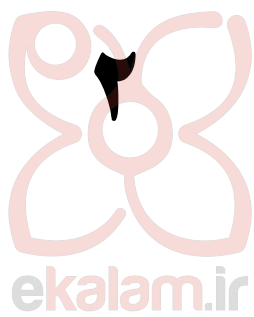
تطورات كلام اماميه

در مدرسه بغداد

سيد علي حسيني زاده خضر آباد



سازمان چاپ و نشر  
مؤسسه علمی - فرهنگی دار الحديث





## تطورات كلام اماميه در مدرسه بغداد

سيد علي حسيني زاده خضرا آباد

سر ويراستار: سيد محمد حسيني

ويراستار و صفحه آرا: محمد حسيني

طراح جلد: حسن فرزندگان

ناشر: سازمان چاپ و نشر دار الحديث

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تعداد كلمات: ۷۶۹۴۷

تعداد پاورقي:

تعداد صفحه: ۳۴۴



سازمان چاپ و نشر

مؤسسة علمي - فرهنگي دار الحديث

سازمان چاپ و نشر دار الحديث: قم، ميدان شهدا، ابتداي خيابان معلم، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۶۵۰ - ۰۲۵-۳۷۷۴۰۵۲۳ - ۰۲۵-۳۷۷۴۰۵۲۳

[hadith@hadith.net](mailto:hadith@hadith.net)

<http://www.hadith.net>

## فهرست مطالب

۱۱.....	سخن پژوهشگرده.....
۱۵.....	سخن نویسنده.....
۱۹.....	مقدمه.....

### فصل اول:

#### کلیات و مقدمات

۲۵.....	درآمد.....
۳۰.....	پیشینه پژوهش.....
۳۵.....	مفاهیم.....
۳۵.....	تطور.....
۳۷.....	کلام امامیه.....
۴۰.....	مدرسه.....
۴۲.....	جریان.....
۴۳.....	عصر حضور.....
۴۳.....	سیر تاریخی کلام امامیه تا پایان مدرسه بغداد.....

- ۴۴..... مراحل تطوّر کلام اسلامی در سده‌های نخستین
- ۴۵..... مرحله اصالت و استقلال کلام
- ۴۶..... دوره پیدایش و شکل‌گیری
- ۴۷..... دوره تکوین کلام نظری
- ۴۸..... دوره تدوین جامع
- ۵۰..... سیر تاریخی کلام امامیه در مرحله اصالت و استقلال
- ۵۱..... کلام امامیه در دوران حضور
- ۵۴..... مدرسه مدینه و شکل‌گیری کلام امامی
- ۵۶..... دوره نظریه‌پردازی در مدرسه کوفه
- ۶۰..... دوره فترت و رکود
- ۶۳..... مدرسه کلامی قم
- ۶۷..... کلام امامیه پس از حضور (مدرسه بغداد)
- ۷۲..... جریان‌های کلامی مدرسه بغداد
- ۷۲..... ۱. جریان معتزلیان شیعه شده
- ۷۹..... ۲. جریان نوبختیان و متکلمان کمتر شناخته شده امامی
- ۹۴..... ۳. جریان شیخ مفید
- ۹۹..... ۴. جریان سید مرتضی
- ۱۰۴..... علل و هنگامه افول مدرسه بغداد
- ۱۰۵..... جمع‌بندی

### فصل دوم:

#### سیر تطوّر محتوای کلام امامیه در مدرسه کلامی بغداد

- ۱۰۷..... درآمد

شناخت‌شناسی	۱۰۹
معرفت	۱۰۹
عقل	۱۲۲
خداشناسی	۱۳۱
اسما و صفات	۱۳۱
بداء و نسخ	۱۴۴
عدل الهی	۱۵۸
چیستی اعمال عباد	۱۵۹
استطاعت	۱۶۰
رابطه فعل بندگان با خدا	۱۶۳
آلام اطفال	۱۶۹
انسان‌شناسی	۱۷۱
حیات پیشین	۱۷۱
چیستی انسان	۱۸۱
راهنماشناسی	۱۸۷
نبوت	۱۸۷
قرآن	۱۹۳
امامت	۲۱۴
مقامات ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	۲۱۷
علم امام	۲۱۹
معجزه	۲۲۱
نزول وحی	۲۲۵
مقام تشریح	۲۳۳

۲۳۵.....	معادشناسی.....
۲۳۵.....	اسما و احکام.....
۲۴۱.....	وعید.....
۲۴۸.....	احباط.....
۲۵۴.....	معرفت و طاعت کفار.....
۲۵۹.....	موافات.....
۲۶۴.....	جهان شناسی.....
۲۶۴.....	حرکت و سکون عالم.....
۲۶۷.....	بقای جواهر.....
۲۶۹.....	طبایع اربعه.....
۲۷۳.....	مکان.....
۲۷۴.....	جمع بندی.....



فصل سوم:  
ekalam.ir

### تحلیل و تبیین تطوّر کلام امامیه در بغداد

۲۷۷.....	درآمد.....
۲۷۸.....	عوامل و زمینه‌های واگرایی متکلمان امامی بغداد از کلام دوران حضور.....
۲۷۹.....	۱. افول مدرسه کوفه و دوره فترت.....
۲۸۳.....	۲. جغرافیای فرهنگی متفاوت بغداد و کوفه.....
۲۸۶.....	۳. درگیری اجتماعی امامیه و اهل حدیث عامه.....
۲۸۸.....	۴. غیبت امام معصوم.....
۲۹۰.....	۵. تحولات در جریان حدیثی امامیه و ظرفیت‌های حدیث امامیه.....
۲۹۴.....	۶. حمایت حاکمیت سیاسی از گفتمان اعتزالی.....



۲۹۵...	۷. حاکمیت گفتمان معتزله و شرایط ویژه عصر تدوین جامع علم کلام
۲۹۸.....	۸. مناسبات امامیه و معتزله.....
۳۰۳.....	۹. نهضت ترجمه آثار فلسفی.....
۳۰۸.....	جمع‌بندی.....
۳۱۰.....	خاتمه.....
۳۱۷.....	کتاب‌نامه.....
۳۳۵.....	نمایه اعلام.....





## سخن پژوهشگرده

عصر حاضر را دوره‌ی بازیابی هویت‌های دینی و خیزش‌های مذهبی و معنوی دانسته‌اند. در این میان، شیعه در سنجش با دیگران، نمودی نمایان‌تر داشته و در عرصه‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی بر محیط پیرامون خود تأثیری شگرف به جا گذاشته است. البته، این نفوذ و تأثیر از چشم دیگران پنهان نمانده و رقیبان را به رویارویی و ناآشنایان را به کندوکاو واداشته است؛ نماد و نشانه‌ی این تکاپوها را در عرصه‌های علمی و رسانه‌ای به‌خوبی می‌توان بازشناخت.

گسترش مراکز شیعه‌شناسی در شرق و غرب، انجام پژوهش‌های بزرگ و کوچک، کنفرانس‌ها و نشست‌های تخصصی در گوشه‌گوشه‌ی جهان در خصوص تاریخ و اندیشه‌ی شیعه و نیز هدایت پایان‌نامه‌های دانشگاهی و فرصت‌های مطالعاتی بسیار به سمت موضوعات مرتبط با تشیع و بالاخره چاپ صدها کتاب و مقاله‌ی تخصصی در این زمینه، تنها بخشی از تلاش‌های به‌ظاهر فرهنگی است که در طول سه دهه‌ی اخیر به انجام رسیده است. این همه در کنار حجم سنگین فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای که عمدتاً به‌دنبال تخریب چهره‌ی تشیع و شیعیان است، از پهنه‌ی میدان درگیری حوزه‌های علمی شیعه در این کارزار نابرابر پرده برمی‌دارد.

مروری کوتاه نشان می‌دهد که هویت معرفتی شیعه بیشترین حجم را در این

پروژه علمی و تبلیغی به خود اختصاص داده و غالباً تلاش بر این است که با ارائه انگاره‌ای ناراست و سرگذشتی نامیمون از شیعه، تصویر تابناک مکتب تشیع را در تاریکی فرو برند. شیعه امامیه با بهره‌مندی از مکتب گرانسنگ اهل بیت علیهم‌السلام و با تکیه بر معارف اصیل قرآن کریم، پیشینه‌ای پر مایه و افتخارآمیز در پاسداری از دستاوردهای والای رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برجای گذاشته و پیشاهنگی خود را در پاسداری و گسترش اسلام اصیل نشان داده است. اما سوگ‌مندانه باید گفت که دشمنان از دیرباز کینه‌توزی و کوته‌اندیشی را آیین خود ساخته، دشنه دشنام بر چهره پاکترین پیروان وحی در انداخته و پرده پندارهای خویش را بر حقایق آشکار تاریخی فرو پوشانده‌اند.

آنان که با استفاده از سایه سنگین سیاست و قدرت، امان از صدای مخالف می‌بریدند و با بهره‌مندی از ثروت و امنیت، فارغ‌دلانه به نشر آرا و انظار خویش می‌پرداختند، سرانجام به پردازش صورت جدیدی از تاریخ اسلام و مسلمین دست یازیدند که هنوز هم جامعه و فرهنگ اسلامی را سخت آزار می‌دهد و امروزه آثار شوم آن در قالب تکفیر و افراطی‌گری، انسانیت را در کمین تهدید گرفته است. آری، این نگره نامبارک چنان در فرهنگ مسلمین مؤثر افتاد که منابع و مصادر نخستین تاریخی و فرقه‌نگاری را سراسر به زیر نفوذ خود گرفت و امروزه بیگانگان کنجکاو و آشنایان بیمار دل در این آثار، اسنادی از تاریخ اسلام و تشیع می‌یابند که پاک کردن آن به سادگی میسر نیست.

از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر فرصتی فراروی شیعیان فراهم آمده است تا با شناسایی و شناساندن خویش، مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را از مظلومیت و محجوریت به در آورده و زمینه آشنایی و راهیابی بسیاری را به آموزه‌های ناب قرآنی فراهم سازند. عقب ماندگی تاریخی جامعه شیعه به اسباب برونی و درونی، اما کار ما را در تدارک این صحنه و بازنمایی نوآمد و بی‌پیرایه از فرهنگ و هویت خویش دشوار کرده

است. بدیهی است که برای این منظور باید مسئله‌ها و موضوع‌های فراوانی را به بحث گذاشت و بایسته‌های بسیاری را به دست تحقیق سپرد. این حرکت به دلیل گستردگی موضوعات و کمبود امکانات، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و جامع است و تنها با همت و هماهنگی مؤسسات و محققان برجسته امکان‌پذیر است.

پژوهشکده کلام اهل بیت علیهم‌السلام دقیقاً بر اساس همین نگرش و تحلیل شکل گرفت تا غبار غفلت و تغافل را از چهره اندیشه تشیع زدوده و آموزه‌های گرانسنگ قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام را به دور از پرده پندار مخالفان و فراتر از دست اندازی ناآگاهان معرفی کند. در این خصوص، «گروه تاریخ کلام» برنامه خود را بر ریشه‌یابی هویت فکری و تاریخی اندیشه کلامی شیعه متمرکز کرد و با پی‌ریزی کلان پروژه «تاریخ کلام امامیه» بار سنگین پژوهش در این فضای کمتر شناخته شده را بر دوش گرفت. در همین راستا کتاب پیش رو در تلاش است ضمن معرفی یکی از مهمترین مقاطع تاریخ کلام امامیه یعنی مدرسه بغداد، با معرفی جریان‌های کلامی فعال در این مدرسه و آثار و اندیشه‌های آنان، تطوراتی که در این مقطع تاریخی از تاریخ اندیشه امامیه در کلام امامیه پدید آمده را تحلیل و تبیین کند.

بی‌سپاسی است اگر از کسانی که در این مسیر ما را با لطف خود نواخته‌اند و ما را رهین منت خویش ساخته‌اند، قدردانی نکنیم. پیش از همه باید از حضرت آیه‌الله ری شهری «رئیس موسسه دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث» که بردبارانه و گشاده‌دل همه امکانات لازم را برای شکل‌گیری این برنامه پژوهشی فراهم آوردند، تشکر کنم و نیز قائم مقام پژوهشگاه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا برنجکار و مدیران و همکاران ارجمندشان را سپاس می‌گویم که مساعدت‌های بی‌دریغ ایشان همواره توشه راه پرفراز و نشیب مان بوده است. و سرانجام تلاش مدیران و محققان گرانمایه‌ای را قدر می‌گذاریم که همت و مهارت آنان، دست‌مایه اصلی این پژوهشکده برای دستیابی به اهداف خطیر و افق‌های بلند آینده است و در

این میان به ویژه از حجت الاسلام والمسلمین دکتر اکبر اقوام کرباسی معاونت پژوهشکده یاد می‌کنم که خستگی‌ناپذیر در سامان بخشیدن به کلیه فعالیت‌ها یار و مددکاری وفادار و پرسوز است. همچنین برای محقق پرتلاش جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید علی حسینی‌زاده که با همت خویش، این اثر نو و خواندنی را پیش روی ما نهاد، آرزوی توفیق و پیشرفت فزون‌تر دارم.

این همه توفیقات را تنها به لطف حضرت حق تعالی می‌دانیم و بر این نعمت، سر سپاس و ستایش بر آستان جلال او می‌ساییم و سایه عنایت مولایمان حضرت ولی عصر (عج) را بزرگترین سرمایه برای به انجام رساندن رسالت بزرگ پاسداری از معارف مکتب وحی می‌شماریم.

محمد تقی سبحانی

رئیس پژوهشکده کلام اهل بیت علیهم‌السلام



## سخن نویسنده

در طول تاریخ، کلام امامیه همانند همه گروه‌های فکری دیگر از معبر شماری از مدرسه‌های فکری گذر کرده که برای شناخت تاریخ امامیه باید این مدرسه‌ها را بازخوانی کرد. این مدرسه‌ها بر محور محیط‌های جغرافیایی شکل گرفته‌اند و نشان‌دهنده جابجایی جغرافیایی فعالیت‌های کلامی امامیه در مسیر تاریخ‌اند. طبیعتاً این جابجایی‌ها - با عنایت به تأثیرپذیری علم کلام از شرایط بیرونی - سبب تغییر و تطوراتی در روش و محتوای اندیشه‌ورزی عالمان هر مدرسه کلامی شده‌اند.

در نگاهی اجمالی به مدارس کلامی تا پیش از مدرسه بغداد، باید گفت: شیعیان با بهره‌گیری از معارف اهل بیت علیهم‌السلام و در پرتو خردورزی، حرکت فکری و کلامی خود را از مدینه و بر محور اهل بیت علیهم‌السلام آغاز کردند. اصلی‌ترین باورهای شیعه در این مدرسه مطرح شد و کلام شیعه شکل گرفت و می‌توان مدرسه مدینه را پیشگام عرصه کلام اسلامی به‌شمار آورد. با آغاز سده دوم، معارف اعتقادی اهل بیت علیهم‌السلام در یک نهضت علمی در کوفه منتشر و در قالب نظریه‌های علمی تبیین شد؛ اصحاب امامیه در کوفه که دریافت حقایق دین را در پرتو تذکار و آموزه‌های وحی میسور می‌دانستند، با دورویکرد مختلف به تبیین معارف اعتقادی پرداختند و دو جریان مهم کلامی را پدید آوردند. یک جریان با رویکردی کلامی

به دنبال تبیین عقلانی معارف اهل بیت علیهم السلام و دفاع از آن در مقابل جریان‌های فکری رقیب بود، اما جریان دیگر با رویکردی حدیثی در پی فهم دقیق همان معارف و عرضه آن به جامعه مؤمنان بود.

جریان کلامی که رویکرد عقلانی و نظریه‌پردازانه داشت و از آغاز سده دوم نهضت علمی بزرگی را در کوفه پدید آورده بود، تحت تأثیر عوامل گوناگون با افولی زود هنگام روبه‌رو شد، اما در حالی که کلام نظری امامیه در پایان سده دوم در کوفه به زوال می‌گرایید، جریان متن‌گرا که رویکردی حدیثی داشت با انتقال به شهر قم، امتداد اندیشه کلامی امامیه را در مدرسه‌ای دیگر رقم زد. حجم بالایی از میراث حدیثی امامیه - تا نیمه سده سوم - از کوفه به قم منتقل شد و مشایخ قم به پالایش و ویرایش آن میراث از کاستی‌ها و انحرافات پرداختند. در همین مدرسه - برای نخستین بار - احادیث کلامی امامیه در یک نظام جامع و هماهنگ گردآوری و تبویب شد.

همزمان با غیبت صغرا و اندک زمانی پس از شکل‌گیری مدرسه قم با رویکردی حدیثی، در مرکز سیاسی جهان اسلام یعنی بغداد، جریان عقل‌گرا و نظریه‌پرداز کلام امامیه با تطوّراتی نسبت به مدرسه کوفه به آرامی بالندگی خود را باز یافت. هر چند غالباً در پژوهش‌ها، مدرسه بغداد را از عصر شیخ مفید به حساب می‌آورند؛ اما پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد این مدرسه با تلاش‌های متکلمان کمتر شناخته‌شده امامیه از جمله دو متکلم برجسته نوبختی یعنی ابوسهل و ابو محمد و همچنین ورود معتزلیان شیعه شده به عرصه کلام امامی، حدود یک قرن پیشتر فعالیت خود را به صورت مدرسه‌ای آغاز کرده بود و در ادامه با راهبری شیخ مفید، سید مرتضی و در نهایت، شیخ طوسی به اوج بالندگی خود رسید و به‌رغم افول آن پس از هجرت شیخ طوسی به نجف اشرف، قرن‌ها هیمنه فکری خود را بر دیگر مدارس کلامی امامیه حفظ کرد.



این مدرسه کلامی با وجود مطالعات ارزشمندی که انجام شده به دلایلی هنوز نیازمند مطالعه و واری‌های دقیق‌تر است. وجود جریان‌های مختلف فکری، شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار و میراث کلامی مهم و گران، از سویی و تطورات روشی و محتوایی کلام امامیه در این مدرسه و اتهام اعتزالی شدن کلام امامیه در آن از سوی دیگر، ضرورت پژوهش‌های جدید در این حوزه و کاستی تلاش‌های گذشته را آشکار می‌سازد.

کتاب پیش رو بخشی از کلان طرح «مدارس کلامی امامیه» است که در گروه تاریخ کلام پژوهش‌کنده کلام اهل بیت علیهم‌السلام بخش‌هایی از آن پیشتر به انجام رسیده است و دیگر بخش‌های آن در دست پژوهش است. اثر پیش رو در تلاش برای برطرف کردن بخشی از غبار تاریخ کلام امامیه با بررسی جریان‌ها، شخصیت‌ها، تراث و اندیشه‌های مدرسه کلامی امامیه در بغداد، به تحلیل و تبیین تطورات کلام امامیه در فاصله آغاز غیبت صغرا تا برآمدن سلاجقه در محیط جغرافیایی بغداد پرداخته است. امید است اثر حاضر در آمدی شایسته در زمینه مطالعات تاریخ کلام امامیه به ویژه در حوزه مدرسه کلامی بغداد باشد. بایسته است از تمامی اساتید و دوستانی که در مراحل گوناگون کار از راهنمایی آنان بهره بردم و با شکیبایی و دقت با بنده همکاری کردند، قدردانی کنم. همچنین شایسته است در این مقام از مسئولین محترم پژوهشگاه قرآن و حدیث به ویژه رئیس محترم پژوهش‌کنده کلام اهل بیت علیهم‌السلام حجة الاسلام والمسلمین استاد محمدتقی سبحانی که افزون بر نظارت و ارزیابی این اثر، حق استادی بر نویسنده دارند، تقدیر و تشکر کنم.

سید علی حسینی زاده خضرآباد



## مقدمه

یکی از نزاع‌های مهم در طول تاریخ تفکر اسلامی و شیعی، بحث اصالت اندیشه و هویت تشیع است. مخالفان تشیع از دیرباز با عناوین مختلف و با تمسک به شواهد و ادله گوناگون تلاش کردند تا نشان دهند آن چیزی که به‌عنوان شیعه در تاریخ وجود دارد امری است که از پیشینه تاریخی کهنی برخوردار نیست. آنان در این راستا برای هر دوره از تاریخ اندیشه شیعه فرضیه‌ها و نظریه‌هایی مطرح کرده‌اند.

برای نمونه، برای پیدایش تشیع با دستاویز قرار دادن داستان عبد الله بن سبا و کیسانیه تلاش کرده‌اند تا پیدایش تشیع را به یهود، ایرانیان، گنوسی‌ان و غلات که بیرون از اندیشه اصیل اسلامی هستند، نسبت دهند.

مخالفان امامیه در ادامه تلاش کرده‌اند با ارائه تصویری ناقص و مخدوش از اندیشه متکلمان مدرسه کوفه، در گام اول اندیشه کلامی آنان را در گسست از اندیشه اهل بیت (علیهم‌السلام) و بر ساخته ذهن متکلمان امامی کوفه و برگرفته از دیصانیان، غلات و دیگران بنمایانند و در گام بعدی با آشفته نمایاندن این اندیشه‌ها در صد نفی دستگاه نظام‌مند کلامی در میان امامیه در عصر حضور برآیند. آنان در همین راستا تلاش دارند شکل‌گیری دستگاه نظام‌مند کلام امامیه را به مدرسه بغداد که به تبع اندیشه معتزلیان شکل گرفته است، نسبت دهند و با این ترفند کلام امامیه را

بی‌بهره از اصالت و هویت مستقل معرفی کنند. نتیجه این مدعا که از همان سده دوم پایه‌گذاری شده است و تا امروز به شکل گسترده تبلیغ می‌شود این است که نشان داده شود تشیع مولود در تاریخ اسلام با میراث اصیل اسلامی ارتباطی ندارد. در پاسخ این ادعا، اندیشمندان امامی از آغاز تلاش کرده‌اند تا نشان دهند که بنیادهای فکر شیعی در سنت پیامبر ﷺ و قرآن کریم بوده است. این تلاش‌ها غالباً از دیرباز با رویکرد کلامی از سوی متکلمان امامی پی‌گیری شده و آنان در صدد اثبات درستی اندیشه‌های کلامی امامیه، بر اساس قرآن و سنت نبوی، برآمده‌اند. هرچند این رویکرد لازم و ضروری است، اما با عنایت به رویکرد مخالفان در شبهه‌افکنی علیه اندیشه امامیه - به‌ویژه در عصر حاضر - که بر پایه روش تاریخ تفکر است، پژوهش‌هایی جدی و سترگ از سوی اندیشمندان امامیه با رویکرد تاریخ اندیشه که متأسفانه کمتر بدان توجه شده است، ضروری است.

این پژوهش در تلاش است در راستای پاسخ‌گویی به همین نیاز پژوهشی بخشی از تاریخ کلام امامیه را بازخوانی کند و با نگاهی تاریخ کلامی چگونگی و چرایی تطورات کلام امامیه در مدرسه بغداد را بررسی کند و نسبت آن با کلام امامیه در دوران حضور و اندیشه معتزلی را آشکار سازد.

ما برآنیم که کلام امامیه در طول تاریخ، یک رشته مشترک دارد که هویت کلام امامیه است و در هر زمان ناظر به نصوص و متناظر با شرایط زمانی تطوراتی به خود دیده است. از همین رو، به انفصال اندیشه کلامی امامی باور نداریم و معتقدیم اصولی مانند امامت، توحید و تنزیه، فاعلیت حق تعالی و حریت او، عدالت خداوند، حکیمانه بودن نظام عالم، مادی و جسمانی بودن آن، تکلیف و ارتباط آن با پاداش، ردّ منزله بین المنزلتین، نبوت، عصمت، علم ویژه امام، مقامات ائمه علیهم‌السلام و... همواره اصولی ثابت در کلام امامیه بوده‌اند که مراجعه به آثار کلامی متکلمان و محدث. متکلمان امامی در دوره‌های مختلف این را نشان می‌دهد. ادعای ما این

است که تاریخ اندیشهٔ تشیع یک مقولهٔ تدریجی و مستمر و همراه با فراز و فرودهای طبیعی انسانی است؛ یعنی بین هویت معرفتی و کلامی تشیع و آنچه که در بستر بیرونی جامعهٔ شیعه رخ می‌دهد کاملاً فاصله می‌اندازیم. معتقدیم جامعهٔ شیعه و شیعیان همچون همهٔ گروه‌های بشری در تاریخ از یک مسیر تکوین طبیعی برخوردار بوده‌اند.

البته، جامعهٔ شیعه به این دلیل که رهبران معصوم داشته است و شخصیت‌های بزرگی در هدایت آنها نقش داشته‌اند، ممکن است سرنوشتی متفاوت داشته باشد، ولی نباید آرمانی و خیالی اندیشید که تشیع به معنای یک واقعیت تاریخی یک امر خارقالعاده است و یک زمان به وجود می‌آید و از هیچ سنت تاریخی برخوردار نیست. امامیه نیز مانند تمام پیروان ادیان از یک سیر طبیعی و تکوینی برخوردار است. پس هر نظریه‌ای که در باب تاریخ اندیشهٔ تشیع مطرح می‌شود، باید به این واقعیت‌های تاریخی توجه داشته باشد.

باید در نظر داشت علم کلام ماهیتی متحول دارد و غیر از عقاید است که امری ثابت است و این تطوّر به معنای قبض و بسط نیست و عموم جامعهٔ شیعه تابع متکلمان نبوده‌اند و تاریخ تفکر عالمان و تاریخ تفکر مؤمنان الزاماً همسان نیست. کلام متکلمان بر خلاف علم فقه درون گروهی و تبیینی نبوده، بلکه غالباً بیرونی و جدلی بوده و ناگزیر باید از کلام رقیب بهره برد. از همین رو، حتی لایهٔ تفکر شفاهی عالمان با تفکر مکتوب آنان را نمی‌توان یکسان دانست.

افزون بر آنچه گفته شد، کلام امامیه ویژگی‌هایی دارد که گاه تطوّر در تاریخ کلام آن را پررنگ‌تر می‌کند. از جمله آن‌که کلام امامیه، یک کلام پویاست که در مقابل پرسش‌های زمان و حوادث کلامی واکنش نشان می‌دهد و این برخاسته از عقل‌گرایی در کلام امامیه است که همانند فقه، باب اجتهاد را مفتوح می‌داند؛ به همین دلیل متکلمان امامیه فرزند زمان خود بوده و متناسب با نیاز مخاطب و شرایط

زمانه خود در بالندگی کلام امامیه نقش آفرین بوده‌اند. از این جهت نباید این تطوّرات را الزاماً منفی ارزیابی کرد. از سوی دیگر، امامیه از آن جهت که همواره به‌عنوان اقلیت مطرح بوده است و با اکثریت مواجهه دارد. از این رو، ناگزیر بوده از اهرم‌ها و ابزارهای فکری روز استفاده کند، چون اساس کلام تفاهم و زبان مشترک با رقیب است و از همین رو، در همه دوران‌ها فرهنگ روز و و دانش زمانه مورد استفاده متکلمان امامی بوده است و این مسئله‌ای مشترک بین همه متکلمان مسلمان از جمله معتزله و اشاعره است.

با توجه به این نکات، تاریخ کلام امامیه همانند دیگر مکاتب کلامی در مسیر تاریخ دچار دستخوش تحول و تطوّر شده که مزیت آن قدرت پاسخ‌گویی به جریان‌های رقیب است، اما نباید فراموش کرد که گاه درگیر شدن در فضاهای بیرونی و الزامات پاسخگویی به رقیب، کلام ما را از توجه عمیق به درون‌مایه‌های کلام عصر حضور و ویژگی‌های ویژه کلام اهل بیت علیهم‌السلام غافل کرده است؛ اگرچه ممکن است در کتب حدیث و دعا و کلام شفاهی متکلمان امامی این نکته را مورد توجه قرار داده باشند، اما پژوهش پیش روی، تاریخ مکتوب کلام امامیه را بررسی کرده است.

این اثر نتیجه مطالعات خردتر در این دوره از کلام امامیه است که در قالب مقالات و رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های ارشد - به ویژه در پژوهشکده کلام اهل بیت علیهم‌السلام - به انجام رسیده است که در این جا اگر از تلاش‌های همه پژوهشگران این عرصه تشکر نکنم، ناسپاسی است. بسیاری از این رساله‌ها و مقالات با راهنمایی استاد فرزانه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی سبحانی به انجام رسیده‌اند که فراتر از تخصصی که در این حوزه دارند، خود را متعهد به معرفی معارف گهربار اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند. نویسنده در کمال فروتنی از این استاد گرانقدر و دیگر اساتیدی که سهمی در این اثر دارند، سپاسگزاری می‌کنم.

به خاطر کوتاهی‌ها و احياناً گج فهمی‌هایی که در تصنیف این اثر داشته‌ام از محضر بقیة اللہ الاعظم که این بضاعت مزجاة را تقدیم حضرتش نموده‌ام، عذرخواهم و امیدوارم توشه‌ای برای یوم الحسابم از این اثر برگرفته باشم. در پایان متواضعانه اعلام می‌کنم نقدهای همهٔ اساتید محترم و خوانندگان محترم را شنوا هستم و هرگز باب اصلاح این اثر را مسدود نمی‌دانم.







## فصل اول: کلیات و مقدمات

### درآمد

پس از افول مدرسه کلامی کوفه و فترتی چند دهه‌ای - هم‌زمان با آغاز غیبت - بار دیگر کلام امامیه در قالب مدرسه کلامی بغداد بالندگی خود را آغاز کرد. افزون بر دو متکلم بنام نوبختی، معتزلیان شیعه‌شده‌ای مانند ابن‌قبه رازی و ابن‌مملک و همچنین متکلمان امامی کمتر شناخته‌شده‌ای مانند ابوالاحوص بصری و ابن‌جبرویه با تألیف آثار مدون کلامی و تربیت شاگردان و ارائه یک دستگاه نوین کلامی با رونق کلام امامیه، مدرسه کلامی جدیدی را پایه‌گذاری کردند. این مدرسه کلامی امامی در عصر شیخ مفید و سید مرتضی به اوج شکوفایی خود رسید و تا قرن‌ها هیمنه خود را بر کلام امامیه حفظ کرد.

در یک نگاه کلی و جدا از تفاوت جریان‌های مؤثر و فعال درون این مدرسه با یک‌دیگر، می‌توان گفت این مدرسه کلامی، تفاوت‌هایی در روش و محتوا با کلام امامیه در دوران حضور که در قالب مدرسه کوفه ارائه شده بود، داشت. به نظر می‌رسد چهار جریان فکری امامی که در میان خود نیز تفاوت‌هایی داشته‌اند، در تطوّر اندیشه امامیه درون مدرسه بغداد نقش داشته‌اند. با اندکی مسامحه می‌توان

این جریان‌ها را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. معتزلیان شیعه‌شده؛ اعم از کسانی چون ابن‌مملک و ابن‌قبة که نام آنان در اختیار است و دیگرانی که تنها اندیشه کلامی آنان گزارش شده است؛
۲. متکلمان امامی در عصر غیبت صغرا تا پیش از شیخ مفید؛ این جریان افزون بر نوبختیان، متکلمان ناشناخته و گمنامی چون ابوالاحوص، ابن‌جبرویه، ابوجیش بلخی و سوسنجردی را که تنها برخی آراء آنان به دست ما رسیده در بر می‌گیرد؛
۳. شیخ مفید و برخی شاگردان هم‌رأیش مانند کراچکی؛
۴. سید مرتضی و شیخ طوسی و دیگر متکلمان هم‌سو با سید مرتضی در بغداد همچون ابوالصلاح حلبی.

مهمترین شاخصه مشترک جریان‌های مدرسه کلامی بغداد، دور شدن تدریجی از مدرسه کلامی امامیه در کوفه در محتوا و روش کلامی است؛ البته، میزان و چگونگی این واگرایی میان هر یک از جریان‌ها و حتی شخصیت‌های کلامی این مدرسه متفاوت است. این واگرایی از کلام دوران حضور در نهایت، دستگاه کلامی جدیدی در امامیه بنا نهاد که تا اندازه‌ای به مکتب کلامی اعتزال نزدیک شد. در عین حال، شواهدی در دست است که نشان می‌دهد متکلمان امامی در بغداد تلاش می‌کنند بین اندیشه‌های کلامی امامیه و معتزله تفاوت نهند و با تبیین تفاوت‌ها، شاخص‌های کلام امامیه را حفظ کنند.

این دوره از تاریخ کلام امامیه که مورد توجه پژوهشگران بوده از چالش‌برانگیزترین مدارس کلامی امامیه به‌شمار می‌رود تا جایی که برخی<sup>۱</sup> اساساً این مدرسه را به‌عنوان آغازی بر کلام امامی دانسته‌اند و برخی<sup>۲</sup> دیگر از اساس آن را

۱. امین، ضحی الاسلام، ص ۶۸۴؛ محیی‌الدین، أدب المرتضی، ص ۳۹.

۲. نمونه‌ای روشن از این دیدگاه را می‌توان در آثار محمد علی امیر معزی مشاهده کرد (نک: رضایی، «نظریه امامت باطنی در بوته نقد»، ص ۱۹۸-۱۷۳).

برخاسته از مکتب معتزله و واگرا از کلام مدرسه کوفه تحلیل کرده‌اند. به هر حال، این مدرسه کلامی امامی همزمان با ورود سلاجقه به بغداد و هجرت شیخ طوسی از این شهر در جغرافیای بغداد به پایان رسید.

در این کتاب با گزینش مهمترین اندیشه‌های رایج در کلام اسلامی آن عصر، مانند توحید و صفات، جایگاه عقل و وحی، معرفت، انسان‌شناسی، استطاعت، وعده و وعید، نبوت و امامت و... و مقایسه این آراء در میان متکلمان امامی بغداد و متکلمان امامی عصر حضور در مدرسه کوفه، نشان خواهیم داد که اندیشه متکلمان امامی بغداد از چه تطوری برخوردار بوده است. همچنین با تبیین عوامل مؤثر در این تطور، نشان می‌دهیم این تطور تا چه اندازه به شرایط درونی کلام امامیه و تا چه اندازه به شرایط بیرونی ارتباط دارد.

در این پژوهش، افزون بر توصیف و تحلیل دیدگاه عالمان امامیه در دوران حضور و مدرسه بغداد و تحلیل اجزای مدرسه بغداد، برای تحقق هدف اصلی این کتاب از مقایسه تطبیقی این اندیشه‌ها با یک‌دیگر و گاه با معتزله فروگذار نکرده‌ایم. در همین راستا برای شناخت اندیشه‌های متکلمان امامی عصر حضور از آن‌جا که آثار مکتوب آنان در اختیار نیست و تنها گزارش‌هایی پراکنده از اندیشه آنان در کتب کلامی، تاریخی، مقالات، حدیثی و رجال به‌جا مانده؛ به جمع شواهد و قرائن با روش تاریخی تحلیلی تکیه می‌کنیم. بدین معنا که افزون بر مراجعه به گزارش مقالات‌نگاران غیرامامی صحت و سقم آن را در مقایسه با گزارش‌های امامیه اعم از گزارش مقالات‌نگاران امامی، گزارش در آثار تراجم و رجال امامیه و حتی آثار حدیثی امامی که این متکلمان در مسیر نقل روایات آن بوده‌اند، برمی‌رسیم.

البته، در بررسی اندیشه‌های متکلمان جریان شیخ مفید و جریان سید مرتضی از آن‌جا که بسیاری از آثار آنان در اختیار است، به آثار آنان استناد می‌شود

در عین حال، قرائن و شواهد دیگر نیز در این انتساب و استناد در نظر گرفته می‌شود. بیشترین گزارش‌ها از تاریخ فکر و تطوّر آن را باید در آثار مقالات‌نگاری جست. از مهمترین آثار مقالات‌نگاری که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، کتاب مقالات الاسلامیین اشعری است. اگر چه اشعری نگاهی همدلانه با امامیه ندارد و نمی‌توان چشم‌پسته به گزارش‌های او تکیه کرد، اما با عنایت به این‌که نسبت به دیگر مقالات‌نگاران غیر امامی انصاف بیشتری به خرج داده و گزارش‌های او از دقت بیشتری برخوردار است و از سوی دیگر بیشترین گزارش‌ها از اندیشه متکلمان عصر حضور، متکلمان گمنام امامی عصر غیبت صغرا و معتزلیان شیعه‌شده - حتی نسبت به آثار موجود امامیه - در اختیار قرار می‌دهد؛ باید به گزارش‌های او توجه جدی شود. نباید فراموش کرد که اشعری این اثر مقالات‌نگاری را در اواخر سده سوم، یعنی دقیقاً هنگامه آغاز کلام امامیه در مدرسه بغداد و زوال فترت کلام امامیه نگاشته است.

بنابراین، نزدیک‌ترین گزارش‌ها را نسبت به این دوران پرابهام کلام امامیه ارائه می‌دهد. اگر چه در همین دوران دو اثر مقالات‌نگاری امامی یعنی فرق الشیعه و المقالات و الفرق - جدا از اختلافی که در مورد انتساب آن به ابو محمد نوبختی و سعد بن عبدالله اشعری است - تألیف شده و هم‌اکنون در اختیار است، اما این دو اثر بسیار متشابه در مقایسه با مقالات الاسلامیین اشعری، در مورد اندیشه‌های متکلمان امامی مطلب چندانی گزارش نکرده‌اند.

بی‌گمان اگر آثار مقالات‌نگاری مفقود امامیه یا آثار کلامی متکلمان عصر حضور در اختیار بود، چندان به این اثر غیر امامی تکیه نمی‌کردیم، اما با همین شرایط نیز مقایسه گزارش‌های اشعری با شواهد و قرائن موجود در آثار امامیه و غیر آنان می‌تواند راه‌گشای ما در کشف اندیشه متکلمان امامی به‌ویژه دو جریان متکلمان امامی گمنام در عصر غیبت صغرا و متکلمان معتزلی شیعه‌شده و حتی

اندیشه متکلمان امامی عصر حضور باشد.

از دیگر آثار مقالات نگاری در عصر مدرسه بغداد که در این پژوهش فراوان مورد استفاده است، کتاب اوائل المقالات شیخ مفید است. این کتاب تقریباً در میانه دوره تاریخی مورد نظر ما نگاشته شده است و می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع اصلی و مستقیم در این پژوهش به کار آید. هر چند شیخ مفید این اثر گران‌سنگ را برای تبیین تفاوت‌های اندیشه خود با بنونوبخت و بیان تفاوت دستگاه کلامی امامیه و معتزله به رشته تحریر در آورده، اما از آن جا که بسیاری از آرای نوبختیان را گزارش کرده، اثری بی‌نظیر برای شناخت اندیشه جریان نوبختیان و جریان شیخ مفید و حتی متکلمان عصر حضور به‌شمار می‌آید.

همچنین برای ارزیابی گزارش‌های مقالات نگاران غیرامامی در مورد اندیشه امامیه از این اثر می‌توان یاری جست. البته، امامی بودن این اثر بدین معنا نیست که گزارش‌های شیخ مفید همگی از دقت کافی برخوردارند، بلکه برای فهم دقیق و ارزیابی گزارش‌های شیخ مفید نیز همچون دیگر آثار مقالات نگاری باید از شواهد بیرونی بهره جست. این مسئله به‌ویژه در گزارش‌هایی که شیخ از جمهور امامیه یا اجتماعات امامیه نقل می‌کند، اهمیت بیشتری می‌یابد. به هر حال ارزشمندترین اثر برای شناخت اندیشه نوبختیان همین کتاب اوائل المقالات است.

افزون بر آثار مقالات نگاری، آثار حدیثی امامیه در این دوره به‌ویژه جوامع حدیثی امامیه که بیشتر در مدرسه قم تدوین شده‌اند، از منابع ارزشمند برای شناخت اندیشه‌های کلامی متکلمان امامی در عصر حضوراند و همان‌گونه که در این پژوهش نشان خواهیم داد، جریان‌های مختلف امامی در دوران حضور در نشر و گسترش احادیث امامیه نقش داشتند که می‌توان با عنایت به نوع روایاتی که هر جریان نقل و منتشر می‌کند، اندیشه کلامی آن را گمانه‌زنی کرد.

این روش هر چند نمی‌تواند در انتساب یک اندیشه به جریانی خاص علم‌آور

باشد، اما در کنار دیگر شواهد راهکاری برای بازیابی اندیشه‌های جریان‌های کلامی امامیه در دوره‌ای که تقریباً اثر مکتوبی از آن به‌جا نمانده و غبار گزارش‌های مغرضانه آن را پرابهام کرده، است.

افزون بر این منابع، در آثار کلامی امامی و غیر امامی، نیز گزارش‌هایی از آثار، اندیشه‌ها و رویکرد متکلمان امامی این عصر به‌جا مانده که در شناخت این مدرسه به‌ویژه تا پیش از شیخ مفید، بسیار سودمند است. در کنار این آثار کلامی باید به منابع تاریخی که گزارش‌های ارزشمندی در اختیار ما قرار می‌دهند، اشاره کرد. این منابع به دلایل مختلف زندگی‌نامه، اندیشه و آثار برخی متکلمان که متأسفانه در دیگر آثار اشاره‌ای بدان‌ها نشده در اختیار ما قرار می‌دهند. از همین رو، در این اثر فراوان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در نهایت، باید بر بهره‌ای که از آثار تراجم، فهرست‌نگاری و رجالی امامی و غیر امامی در این اثر برده‌ایم، تأکید شود. این دسته از آثار و در رأس آنها رجال نجاشی نیز اطلاعات دست اول و گرانبهایی از این دوره تاریخی از کلام امامیه در اختیار ما قرار می‌دهند؛ از همین رو، از منابع پرارجاع در این پژوهش به‌شمار می‌روند.

### پیشینه پژوهش

بی‌گمان برای روشن شدن تاریخ کلام امامیه و فهم دقیق فرایند شکل‌گیری و توسعه اندیشه کلامی شیعی، پژوهش‌های پراکنده که تنها برخی اندیشه‌ها یا شخصیت‌های کلامی را از این منظر مورد مطالعه قرار داده‌اند، کارایی لازم را ندارد و باید ناظر به این پژوهش‌های خرد، پژوهشی فراگیر در یک نگاه کلی این تطوّر را به تصویر کشید تا در پرتو آن، ابعاد پنهان و ناشناخته تاریخ تشیع که در زیر آوار عصبیت یا غبار بی‌خبری و سهل‌انگاری مدفون شده‌اند - به شیوه‌ای روشمند و علمی - بازنمایانده شود.

برای انجام این مهم، پیش از هر چیز باید با پژوهش‌هایی به صورت خُرد بسیاری از موضوعات، شخصیت‌ها و حتی جریان‌های مطرح در این کتاب را بررسی‌شده باشند تا بتوان بر اساس آن به یک طرح کلان و یک چارچوب نظری استوار رسید. از همین رو، به معرفی این مطالعات که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته می‌پردازیم. البته، این به معنای پذیرش نتایجی که این مطالعات بدان رسیده نیست و چه بسا نقدهایی بر روش یا محتوای همین مطالعات در این کتاب مطرح شده است. هرچند هیچ یک از این مطالعات گستره زمانی و موضوعی این کتاب را با هم ندارد، اما در یک تقسیم‌بندی کلی گروهی از این مطالعات به انجام رسیده یا در حال پژوهش، تنها تطوّر برخی اندیشه‌های کلامی امامیه مانند عقل، معرفت، استطاعت، بداء، امامت را به صورت تک‌اندیشه در این بازه زمانی بررسی‌شده‌اند و گروهی دیگر برخی این جریان‌ها یا بخشی از این بازه زمانی مانند مدرسه کوفه، معتزلیان شیعه‌شده، نوبختیان، شیخ مفید، سید مرتضی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. البته، برخی آثار نیز هرچند با نگاه تاریخ کلامی تطوّرات تاریخ کلام امامیه را در این محدوده زمانی بررسی‌شده‌اند، اما تطوّر محتوای اندیشه‌ها را کمتر مقایسه کرده‌اند و به صورت کلی تطوّرات کلام امامی را در روش بررسی‌شده‌اند.

**الف)** از میان پژوهش‌های گروه اول می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

۱. رضایی، محمد جعفر، «تطوّر جایگاه و معنای عقل در امامیه تا نیمه قرن پنجم»، رساله دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵ ش. بخش‌هایی از این رساله در قالب مقالاتی در مجله‌های نقد و نظر، تحقیقات کلامی و کلام اهل بیت (ع) به چاپ رسیده‌اند.
۲. مکتوبیان، یوسف، «بررسی تطبیقی مسئله بداء در مدرسه کوفه و بغداد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۰ ش.
۳. امیر معزی، محمد علی، پیشوای ربانی در تشیع نخستین، ۱۹۹۲ م. این اثر که

- ترجمه فارسی آن تاکنون به چاپ نرسیده با عنوان *Le Guide Divin Dans le shi'ism* Original در سال ۱۹۹۲ میلادی به زبان فرانسه و دو سال بعد به زبان انگلیسی منتشر شده است. امیر معزی در این اثر با تکیه بر مباحث امامت و جایگاه عقل در امامیه به بازشناسی اندیشه امامیه در این دوران با روش پدیدارشناسی همت گمارده است. ما بیشتر در مقاله‌ای مشترک این اثر را نقد کرده‌ایم.<sup>۱</sup>
۴. اسکندری، محمد علی، «بررسی تطبیقی اسما و صفات در مدرسه کلامی کوفه و بغداد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۰ ش.
۵. حسینی بهارانچی، سید احمد، «بررسی تطبیقی مسئله عقل و وحی در مدرسه کوفه و بغداد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۰ ش.
۶. منتظری، محمد حسین، «بررسی تطبیقی مسئله علم و معرفت در مدرسه کوفه و بغداد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۰ ش.
۷. مصباح، مجید، «بررسی تطبیقی مسئله امامت در مدرسه کلامی کوفه و بغداد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۱ ش.
۸. سبحانی، محمد تقی، مدرسه کوفه در دوره نظریه‌پردازی، این اثر که پیشتر در قالب درس‌گفتارهایی در انجمن کلام ارائه شده توسط انتشارات دارالحدیث در دست چاپ است.
۹. گروهی از نویسندگان، جستارهایی در مدرسه کوفه، این اثر که در قالب مجموعه مقالات منتشر می‌شود، به کوشش اکبر اقوام کرباسی وزیر نظر محمد تقی سبحانی، توسط انتشارات دارالحدیث در دست چاپ است.
۱۰. گروهی از نویسندگان، جستارهایی در مدرسه قم، این اثر که در قالب مجموعه مقالات منتشر می‌شود، به کوشش سید حسن طالقانی وزیر نظر محمد تقی سبحانی توسط انتشارات دارالحدیث در دست چاپ است.

۱. نک: رضایی، (نظریه امامت باطنی در تشیع نخستین در بوته نقد)، ص ۱۷۳-۱۹۸.



۱۱. گروهی از نویسندگان، جستارهایی در مدرسه بغداد، این اثر که در قالب مجموعه مقالات منتشر می‌شود، به کوشش سیدعلی حسینی‌زاده خضرآباد وزیر نظر محمد تقی سبحانی توسط انتشارات دارالحدیث در دست چاپ است.
  ۱۲. جمعی از نویسندگان، فصلنامه نقد و نظر، ش ۶۵، ۶۶ و ۶۷.
  ۱۳. امیرخانی، علی، «معرفت اضطراری در اندیشه‌های نخستین اسلامی تا قرن پنجم»، رساله دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
- (ب) از میان پژوهش‌های گروه دوم می‌توان به کتب و پایان‌نامه‌های ذیل اشاره کرد:
۱. اسعدی، علیرضا، هشام بن حکم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
  ۲. اسعدی، علیرضا، سید مرتضی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
  ۳. مکدرموت، مارتین، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
  ۴. حسینی‌زاده خضرآباد، سیدعلی، نوبختیان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
  ۵. اقوام کرباسی، اکبر، مؤمن الطاق، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
  ۶. سامی‌النشار، علی، نشأه الفکر الفلسفی فی الاسلام، قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۹ ق.
  ۷. فان. اس، جوزیف، علم الکلام والمجتمع، ج ۱، بغداد - بیروت: منشورات الجمل، ۲۰۰۸ م.
  ۸. نیومن، اندرو جی.، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ترجمه مهدی ابوطالبی و دیگران، قم: انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶ ش.
  ۹. مادلونگ، ویلفرد، «کلام معتزله و امامیه»، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانی، ترجمه جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
  ۱۰. مدرّسی طباطبایی، سیدحسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه،

تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۴ ش.

۱۱. جبرئیلی، محمدصفر، سیر تطوّر کلام شیعه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.

۱۲. کیانی فرید، مریم، کلام شیعه کلام معتزله، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳ ش.

۱۳. جعفری، محمدرضا، «الکلام عند الامامیه، نشأته و تطوّر»، تراث، ش ۳۰ و ۳۱، ۱۴۱۳ ق.

۱۴. المدن، علی، تطوّر علم الکلام الامامی، مراجعه: قاضی عبدالجبار الرفاعی، بغداد: مرکز دراسات فلسفة الدین، ۱۴۳۱ ق.

۱۵. بارانی، محمد رضا، بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره در عصر آل بویه در بغداد، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.

در ابتدا باید گفت که همه این آثار مورد توجه نویسنده بوده و از آنها استفاده برده و در نگاهی گسترده‌تر می‌توان برخی آثار دیگر را نیز در شمار پژوهش‌هایی که پیشینه این اثر است، نام برد. هر چند تفصیل نقد و بررسی و بیان تفاوت پژوهش‌های پیش‌گفته با اثر پیش‌رو در این بخش نمی‌گنجد، اما در یک بیان کلی‌تر می‌توان گفت که تفاوت پژوهش‌های دسته اول با اثر پیش‌رو از جهت دامنه مباحث و موضوعات است که در مطالعات مورد اشاره با تکیه بر تک مسئله تطوّر اندیشه امامیه در این بازه زمانی بررسی شده است، اما اثر حاضر با بررسی مجموعه اندیشه‌های کلامی مطرح در یک دستگاه کلامی، تطوّر کلام امامیه را بررسی کرده است. اگر چه مطالعات پیش‌گفته در تک موضوع مورد مطالعه به صورت جزئی‌تر ورود کرده‌اند، اما بی‌گمان بررسی تطوّر یک دستگاه کلامی به نگاهی جامع در موضوعات مختلف نیاز دارد. البته، اشاره به این نکته لازم است که در مطالعات انجام شده دسته اول - به خلاف این پژوهش - تقریباً نقش معتزلیان شیعه‌شده و

نویختن مورد توجه نبوده یا گذرا از آن عبور شده که غفلت از این مسئله در نتایج به دست آمده اثرگذار است و از آنجا که تک مسئله را بررسی کرده‌اند، توانسته‌اند نگاه جامعی از تطوّرات کلام امامیه در مدرسه بغداد ارائه دهند.

تفاوت کلی اثر پیش رو با مطالعات دسته دوم نیز در بازه زمانی و گستردگی جریان‌های کلامی مورد مطالعه است. برای نمونه، جامع‌ترین اثر در این دسته کتاب اندیشه‌های کلامی شیخ مفید است که نویسنده در آن تنها به تفاوت‌های اندیشه‌ای شیخ مفید با سید مرتضی و شیخ صدوق اشاره دارد و هم‌نوایی شیخ مفید با معتزله بغداد را نشان داده است. از سوی دیگر در بیشتر این پژوهش‌ها بدون توجه به کلام امامیه در دوران حضور، به گرایش کلام امامیه به معتزله توجه نشان داده شده تا تطوّر کلام امامیه در بغداد نسبت به کلام امامیه در دوران حضور. افزون بر تفاوت گستره مورد مطالعه در این پژوهش با دیگر آثار تدوین شده در این حوزه، تحلیل و تبیین این تطوّر کلامی در آثار مورد اشاره به این دقت و گستردگی مورد توجه نبوده است. بنابراین، پژوهشی که مانند این اثر مهمترین اندیشه‌های همه جریان‌های تأثیرگذار بغداد را تحلیل و با یکدیگر و با اندیشه‌های متکلمان دوران حضور مقایسه کرده باشد و در نهایت، چرایی و چگونگی تطوّر کلام امامیه را پس از دوران حضور بررسی‌شده باشد، در دست نیست و این نگاه‌ها از این جهت با دیگر آثار موجود متفاوت است.

## مفاهیم

### تطوّر

واژه «طور» در لغت عرب به معنای «تارة» به کار رفته است<sup>۱</sup> که در فارسی معادل

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۵۰۷.

«گاهی» یا «دوره‌ای از زمان» است. این واژه همچنین به معنای «حال» و در شکل جمع به معنای «احوال» به کار رفته است. شکل فعلی این واژه در کتب لغت رایج نیست و در شکل ثلاثی مزید و در باب تفعل اصلاً به کار نرفته است. با این حال، این لغت در استعمالات جدید زبان عربی و همچنین در زبان فارسی به فراوانی به کار رفته است. معنای رایج و نخست تطوّر در عربی نوین تکامل یافتن و توسعه یافتن است<sup>۱</sup> که معادل evolution در زبان انگلیسی است. نظریه تکامل داروین نیز که در زبان انگلیسی The theory of evolution خوانده شده است، در عربی به نظریه «التطوّر» یا «تطوّر الانواع» ترجمه شده است. البته، تطوّر به معنای دگرگونی و تغییر نیز استعمال شده است<sup>۲</sup> و اتفاقاً تطوّر در زبان فارسی به معنای دوم به کار رفته است<sup>۳</sup> و در این اثر مقصود ما از تطوّر همین تحول و تغییر دیدگاه امامیه در پنج سده نخست است و در پی اثبات تکامل و پیشرفت دیدگاه امامیه نیستیم.

البته، مقصود ما از تطوّر تنها تحولات و تغییرات علمی متداول در یک علم نیست. به بیان دیگر، هر تغییری را تطوّر نمی‌دانیم، بلکه «تطوّر» بیش از هر چیز به تحولاتی اشاره دارد که خارج از فرایندهای معمول و متداول در هر علم رخ می‌دهد و مفاهیم بنیادین و یا جهت‌گیری‌های دانش را تا اندازه زیادی متأثر می‌سازد. برای مثال، تطوّر علمی در دانش فیزیک آن‌گاه رخ داد که طبیعیات قدیم جای خود را به مفاهیم و روش‌شناسی جدید در فیزیک نوین داد و یا هنگامی که بر اثر تراکم داده‌های جدید از اعتبار اولیه فیزیک نیوتنی کاسته شد و به تدریج فیزیک نسبیت یا فیزیک کوانتومی جای آن را گرفت<sup>۴</sup>.

۱. آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۴۰۵.

۲. همان؛ نعمة، المنجد في اللغة العربية المعاصرة، ص ۹۲۳.

۳. انوری، فرهنگ سخن، ج ۳، ص ۱۷۷۱.

۴. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۹.

بنابراین، «تطوّر در یک دانش به فراز و فرودهای کلان در مسیر تحول یک علم اشاره داد و نشان از یک تحول بنیادین در سیاق کلی دانش است».<sup>۱</sup>

همچنین باید افزود که لازمه تطوّر در اندیشه‌های کلامی عالمان امامیه تطوّر در معارف اساسی دین یا مذهب نیست. در حقیقت، در این کتاب در پی بیان تکامل و تطوّر معارف اساسی امامیه نیستیم، بلکه معارف اساسی دین و متون مقدس و حیاتی اموری ثابت هستند و فهم این عالمان امامیه از این متون است که در طول تاریخ تغییر پیدا کرده است. از این رو، اذعان به تطوّر در این عرصه نه تنها به معنای نسبی‌اندیشی در معارف دینی نیست، بلکه کوششی است برای فهم دقیق‌تر ریشه‌های تاریخی اندیشه دینی کنونی و گشودن راهی برای بازسازی آن در سایه مضامین و حیاتی و عقلانی.<sup>۲</sup>

### کلام امامیه

اصطلاح کلام امامیه خود ترکیب‌یافته از دو اصطلاح کلام و امامیه است که به اختصار آن را تبیین می‌کنیم. مراد از علم کلام در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام، بخشی از معارف اسلامی در مقابل فقه است که به دفاع از آموزه‌های دینی اعم از احکام و شریعت و معارف اعتقادی و نظری می‌پردازد. اما کلام از نظر متأخرین، حوزه‌ای است که فهم و دفاع از مباحث نظری و معرفتی را پوشش می‌دهد. همین تفاوت است که زمانی که به دنبال وجه تسمیه دانش کلام می‌گردیم ما را دچار مشکل می‌کند. تعریف نخستینی که در دو دانش فقه و کلام مطرح بوده، از جهت رسالت دوگانه علوم اسلامی است. رسالت نخست این است که درون‌مایه منابع و حیاتی و

۱. همان.

۲. نک: حنفی، «تاریخ‌مندی دانش کلام»، ص ۳۷-۵۷؛ سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۹-۱۰.

معارف دینی را به انسان بشناساند تا او بفهمد دین چه می‌گوید؟ رسالت دوم این است که از همین درون مایه‌های معارف دینی در مقابل خصم و شبهات دفاع کند و به تبیین آنها پردازد.

در این تعریف، هر دو دانش فقه و کلام، شامل معارف نظری و معارف عملی می‌شدند؛ به این معنا که فقه نیز شامل فهم مباحث اعتقادی می‌شد و به احکام شرعی اختصاص نداشت، همچنان که کلام نیز شامل معارف عملی به معنای دفاع از فلسفه احکام می‌شد. در این مقطع، کار کلام، دلیل‌آوری بود. برای مثال، فارابی در کتاب احصاء العلوم نیز عیناً همین تعریف را ارائه می‌کند و بعدها نیز ابن خلدون و دیگران این تعریف را مطرح کرده‌اند.

در بررسی تاریخ و وجه تسمیه این دو دانش نیز می‌توان این مطلب را دریافت. برای مثال، به این دلیل به این دانش، کلام می‌گفتند که کلام به معنای بحث کردن و سخن گفتن است و به این دلیل، فقه را چنین نامی نهاده‌اند که به معنای فهم عمیق است. با یک دانش، کل گستره دین را می‌فهمید و با دانشی دیگر نحوه دفاع از کل گستره دین را فهم می‌کنید. در نتیجه این که ما در این جا با واژه کلام سر و کار داریم که خودش دچار تحول شده است و از معنای گسترده کلام که شامل عقاید و احکام می‌شد در دوره متأخر گسترده‌تر شد و فهم حوزه عقاید نیز به کلام داده شد؛ به گونه‌ای که امروزه در تعریف کلام، آن را دانشی می‌دانند که به فهم، تبیین و دفاع از عقاید می‌پردازد. این تعریف از نظر روش‌شناسی گسترش یافت و از نظر موضوعی ضیق شد. این تحول از مدرسه بغداد آغاز می‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین، آنچه فارابی در تعریف علم کلام گفته است، مبنی بر این که کلام ملکه‌ای است که آدمی به وسیله آن می‌تواند از عقاید و افعالی که صاحب دین به آن

۱. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۸۷.

تصریح کرده دفاع کند و باطل بودن هر آنچه با دین مخالف است را اثبات کند،<sup>۱</sup> شاید ناظر به کلام به معنای نخستین آن باشد. به جز فارابی برخی مستشرقان نیز این ادعا را نسبت به علم کلام مطرح کرده‌اند؛ برای مثال، لوئیس گاردیه در مقایسه علم کلام و الهیات مسیحی همین ادعا را مطرح کرده و می‌گوید علم کلام در اسلام تنها به دفاع از اسلام می‌پردازد و این علم را می‌توان معادل Apology دانست، نه الهیات؛ زیرا علم الهیات در پی فهم ایمان است و در علوم اسلامی علم فقه عهده‌دار این بخش است نه کلام.<sup>۲</sup>

در مقابل دیدگاه فارابی، جاحظ در رساله فی صناعة علم الکلام، علم کلام را اصلی‌ترین علم می‌داند که به فهم یقینی عقاید دینی می‌پردازد<sup>۳</sup> و این علم را در مقابل «علم الفتیاء» که همان علم فقه و حلال و حرام است قرار می‌دهد.<sup>۴</sup> مشابه همین دیدگاه در سخنان ابوحنیفان توحیدی نیز آمده است:

اما علم الکلام فإنه باب من الاعتبار فی اصول الدین یدور النظر فیه علی محض العقل فی التحسین والتقیح و الاحالة والتصحیح والایجاب والتجویز والاعتدال والتجویر والتوحید والتفکیر والاعتبار فیه ینقسم بین دقیق ینفرد العقل به و بین جلیل ینفزع الی کتاب اللہ تعالی فیه.<sup>۵</sup>

در مجموع این تعریف از علم کلام با فهمی که از این علم در مدرسه بغداد ارائه می‌شد نزدیک‌تر است.

۱. فارابی، احصاء العلوم، ۸۵-۸۶.

۲. بدوی، مذاهب الاسلامیین، ص ۱۳-۱۴. برخی اندیشمندان امامیه در دوره معاصر نیز این دیدگاه را مطرح کرده‌اند (نک: سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۸۷؛ برنجکار، روش‌شناسی علم کلام، ص ۱۹-۲۱).

۳. جاحظ، رسائل الجاحظ، ص ۵۳-۵۴ و ۳۰۷؛ جاحظ، المحاسن والاضداد، ص ۸.

۴. جاحظ، رسائل الجاحظ، ص ۵۸، ۵۷.

۵. ابوحنیفان توحیدی، ثمرات العلوم، ص ۱۹۲-۱۹۳.

با این حال، در این کتاب همان‌طور که در تلقی امروزین نیز مرسوم است، معنایی گسترده‌تر از علم کلام اراده کرده‌ایم و همهٔ آثاری را که به موضوع عقاید دینی در دو حوزهٔ فهم و دفاع پرداخته‌اند، در این دایره به حساب آورده‌ایم. بنابراین، آثار محدثان بزرگی مانند کلینی در این کتاب به‌عنوان اثری کلامی بررسی خواهد شد. بی‌شک، محدثان بخش قابل توجهی از بار اندیشهٔ اسلامی را به دوش کشیده‌اند و بی‌توجهی به این جریان فکری هر پژوهشی را در تاریخ اندیشهٔ اسلامی بی‌نتیجه خواهد گذاشت.

همچنین در مورد اصطلاح امامیه نیز باید گفت مراد از این اصطلاح گروه خاصی از شیعیان است که به امامت دوازده امام باور دارند و به اصطلاح اثنا عشری هستند. البته، این واژه برای شیعیان اثنا عشری از اواخر دوران حضور به‌کار گرفته شد و در آغاز چیزی بنام امامیه نداریم، ولی در این کتاب مراد از امامیه گروهی هستند که تا پیش از جعل اصطلاح «امامی» با عناوین دیگری چون، جعفری، قطعیه و رافضی شناخته می‌شدند. در حقیقت، با این اصطلاح افزون بر غیر شیعیان گروه‌هایی چون کیسانیه، اسماعیلیه و زیدیه خارج می‌شوند.

در نهایت، باید تذکر داد که علم کلام مانند دیگر دانش‌های بشری سرشتی بشری دارد و حاصل فهم مسلمانان است. از همین رو، باید بین علم کلام و کتاب الهی و سنت معصومین علیهم‌السلام تفاوت نهاد. بدین سبب، برای علم کلام - برخلاف متون وحیانی - می‌توان آغاز و انجامی در نظر گرفت و از تطوّر و درستی و نادرستی آن سخن به میان آورد.

#### مدرسه

در این رساله به‌وفور از اصطلاح «مدرسه» به‌صورت مضاف استفاده می‌شود و گاه از کلام امامیه در دوران حضور با عنوان «مدرسهٔ کوفه» و از کلام امامیه در بغداد با



عنوان «مدرسه بغداد» یاد می‌شود. منظور از «مدرسه» در این جا همان معنایی است که امروزه در زبان عربی به کار می‌رود و در زبان فارسی برای آن بیشتر واژه «مکتب» به کار می‌رود؛ برای مثال، گفته می‌شود «مکتب کوفه» و یا «مکتب بغداد». البته، گاه در زبان فارسی به همان معنایی به کار می‌رود که برای آن «مذهب» به کار می‌رود مانند «المذاهب الفقهیه». در حقیقت، ما از «مدرسه» یک حوزه فرهنگی - جغرافیایی را اراده می‌کنیم تا یک مکتب فکری معین. از این رو، مدرسه را به مجموعه‌ای از متخصصان در یک رشته معین علمی اطلاق می‌کنیم که در تعامل با یکدیگر و بر محور یک محیط جغرافیایی محدود، به تولید محصولات نوین علمی دست می‌زنند. بنابراین، ممکن است که در یک مدرسه، بیش از یک «جریان» علمی به ظهور رسد و چه بسا در یک مدرسه، جریان‌های مخالف به رویارویی با یکدیگر پردازند.

مدرسه، سه ویژگی اصلی و دو ویژگی غیر اصلی دارد؛ (۱) جایی که یک سنت علمی متمایز از قبل و از دیگر مدرسه‌ها به لحاظ محتوا یا روش‌شناسی ارائه شده باشد؛ (۲) یک حوزه تعلیم و تعلم رخ دهد، یعنی سلسله انتقال سنت علمی شود؛ (۳) یک ادبیات کلامی و علمی تولید شود، خواه شفاهی باشد یا کتبی. اگر این سه ویژگی با هم جمع شوند یک مدرسه کلامی داریم. دو ویژگی غیر اصلی نیز وجود دارد؛ (۱) در یک حوزه جغرافیایی رخ دهد؛ (۲) در یک بازه زمانی رخ دهد.<sup>۱</sup>

تذکر این نکته لازم است که قلمرو بحث حاضر به مدارس کلامی امامیه محدود شده و از دیگر مدارس کلامی شیعه همچون زیدیه، کیسانیه و اسماعیلیه پرهیخته است تا حتی الامکان از تشتت و پراکندگی موضوع در امان ماند و بتواند در این پژوهش به تطورات کلام امامیه در مدرسه بغداد نگاهی گسترده داشته باشد. در اندیشه امامیه نیز تنها به حوزه کلام به معنای خاص آن بسنده شده تا از ورود به

۱. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۹۸.

اندیشه اخلاقی، عرفانی و فقهی پرهیز کنیم؛ هرچند اذعان داریم که در یک تحلیل عمیق از تاریخ کلام نمی‌توان دیگر وجوه معرفت را نادیده انگاشت. همچنین با وجود این‌که کلام امامیه در بغداد پیشینه‌ای پیش از غیبت دارد و برخی اصحاب ائمه علیهم‌السلام و متکلمان امامی مدرسه کوفه از جمله مؤمن الطاق، هشام بن حکم، علی بن منصور کوفی و علی بن اسماعیل به بغداد مهاجرت کردند، همچنین اندیشوران امامی مذهب بغدادی الاصل مانند ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن در بغداد حضور داشتند، اما از آن‌جا که این دوره را امتداد مدرسه کوفه می‌دانیم، در قلمرو این پژوهش قرار ندارد و این اثر تنها به تطوّرات کلام امامیه در بازه زمانی آغاز غیبت صغرا تا افول آل بویه می‌پردازد.

### جریان

مراد از جریان در این رساله، گروهی از صاحبان یک اندیشه فکری است که باحفظ ویژگی‌ها و عناصر اصلی آن مدرسه کلامی، در برخی ویژگی‌های بینشی و روشی یا گرایشی از دیگر گروه‌های دیگر در آن مدرسه جدا می‌شود. پس جریان، یک گروه اجتماعی است که به یک مدرسه علمی متصل است. یعنی منابع و چارچوب‌های خودش را از همان مدرسه علمی می‌گیرد. اما این گروه اجتماعی در بین گروه‌های دیگری که در این مدرسه هستند، تفاوت دارد. این تفاوت گاهی به لحاظ روش شناختی است.

برای مثال، جریانی عقل‌گرا هستند و جریان دیگر نقل‌گرا یا برای مثال، آنها بیشتر به ادله قیاسی استناد می‌کنند و اینها به ادله استقرانی. همچنین این تفاوت ممکن است در محتوای عقاید باشد؛ برای مثال، دو جریان یک مدرسه، از علم امام و عصمت او برداشت متفاوتی دارند. با تغییر در مختصات جزئی آن عناصر اصلی یک جریان درست می‌شود.<sup>۱</sup>

## عصر حضور

در این کتاب مراد از عصر حضور تمامی دوران حضور معصوم علیه السلام است که از ابتدای بعثت تا آغاز غیبت صغرا را در بر می‌گیرد؛ البته، با توجه به این که تصویر روشنی از کلام نظری امامیه در مدرسه مدینه یعنی تا پیش از عصر امام باقر و امام صادق علیه السلام در دست نیست، محور کلام امامیه در دوران حضور را مدرسه کوفه می‌دانیم که دست‌کم تا پایان عصر امام رضا علیه السلام را در بر می‌گیرد و پس از آن دوره فترت آغاز می‌شود. در عین حال، تأکید می‌شود در این کتاب نسبت به گزارش‌های موجود از اندیشه عالمان امامی و روایت‌های ائمه علیهم السلام در دیگر دوره‌های عصر حضور یعنی پیش از مدرسه کوفه و دوره فترت بی‌توجه نیستیم.

## سیر تاریخی کلام امامیه تا پایان مدرسه بغداد

در این فصل با نگاهی به سیر تاریخ کلام امامیه تا پایان مدرسه بغداد، به بررسی مدارس کلامی امامیه و همچنین جریان‌های کلامی فعال در این مدارس و میراث کلامی آنان در بازه زمانی تعیین شده می‌پردازیم. بیشتر پژوهش‌هایی به بررسی این مسئله پرداخته‌اند؛<sup>۱</sup> از همین رو، ما به صورتی گذرا از آن عبور می‌کنیم و تنها بخش مربوط به مدرسه بغداد با تفصیل بیشتر گزارش می‌شود. بدیهی است در این بخش به اندیشه‌های کلامی این مدارس و جریان‌ها به صورت جزئی اشاره نمی‌شود. این فصل زمینه‌ای مناسب برای فهم بهتر چگونگی تطوّر کلام امامیه در بغداد است که

۱. برای نمونه، نک: فان اس، علم الکلام والمجتمع، ج ۱، ص ۵۵۹-۳۵۸؛ سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۲۲-۳۴؛ سبحانی، مدرسه کوفه در دوره نظریه‌پردازی؛ اقوام کرباسی، «مدرسه کلامی کوفه»؛ سید حسن طالقانی، «مدرسه کلامی قم»؛ رضایی، «امتداد جریان فکری هشام بن حکم تا شکل‌گیری مدرسه کلامی بغداد»؛ جبرئیلی، «سیر تطوّر کلام شیعه»، دفتر دوم، ص ۶۶-۷۲؛ المدن، تطوّر علم الکلام الامامی، ص ۱۴۱-۱۲۷.

در آینده به تبیین آن خواهیم پرداخت.

از آن جا که کلام امامیه در بستر کلام اسلامی شکل گرفته و تحولات و تطوّرات کلی تاریخ کلام اسلامی در آن همانند دیگر مکاتب کلامی تأثیرگذار بوده، لازم است در ابتدا گزارشی از تطوّر کلام اسلامی در این دوره بیان شود. بی گمان ارائه دورنمایی کلی از تطوّرات تاریخ کلام اسلامی می تواند ما را در شناخت دقیق تر از تاریخ کلام امامیه یاری رساند.

### مراحل تطوّر کلام اسلامی در سده های نخستین

فارغ از اختلافاتی که تاریخ کلام امامیه با دیگر فرق اسلامی دارد، تاریخ کلام اسلامی را به طور عام می توان به مراحل مختلف که تقریباً فرق اسلامی در آن مراحل، سرنوشتی همانند داشته اند، تقسیم کرد. در یک تقسیم بندی کلام اسلامی و به تبع آن کلام امامیه به چهار مرحله، یعنی مرحله اصالت و استقلال؛ مرحله رقابت و اختلاط؛ مرحله ادغام و استحاله؛ مرحله احیاء و تجدید تقسیم شده است و برخی مراحل به دوره های کوچک تری تقسیم شده است. در این دسته بندی نشان داده شده که در هر مرحله یا دوره، کدامین مدرسه های کلامی امامیه به ظهور رسیده اند.<sup>۱</sup>

از آن جا که هدف اصلی ما از این بحث تنها نشان دادن موقعیت کلامی امامیه در بستر تاریخی تا افول آل بویه است و این بازه زمانی هم زمان با مرحله اول تاریخ کلام اسلامی است؛ تنها به مرحله اصالت و استقلال در تاریخ کلام اسلامی به تفصیل می پردازیم.<sup>۲</sup>

۱. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه ها و رویش ها»، ص ۲۲-۱۰؛ برای تقسیم بندی مشابه، نک: شافعی، المدخل

الی دراسة علم الکلام، ص ۵۲-۵۱؛ المدن، تطور علم الکلام الامامی، ص ۱۲۷-۱۷۷.

۲. البته تقسیم بندی های دیگری در حوزه تاریخ کلام امامیه انجام شده که در مقایسه، تقسیم بندی

## مرحله اصالت و استقلال کلام

محدوده این دوره از ابتدای علم کلام در میان مسلمانان تا پایان سده پنجم است. مراد از «اصالت» علم کلام اسلامی در این دوره آن است که هویت و بنیادهای دانش کلام از شرایط طبیعی محیط فرهنگی و اجتماعی خود برآمده و کمتر زیر تأثیر عوامل بیرونی شکل گرفته و یا دچار تحول اساسی شده است. همچنین «مستقل» خواندن دانش کلام اسلامی در این مرحله به این معناست که از ادبیات و منطق متمایز با دیگر علوم برخوردار است. بنابراین، تقسیم کلام اسلامی به رغم تمام داد و ستدهایی که با دیگر فرهنگ‌ها داشت، در تمام پنج سده نخست همچنان هویت خویش را به عنوان یک دانش مستقل و متمایز با دانش‌های رقیبی چون فلسفه و منطق حفظ کرده بود.

اصالت و استقلال کلام در این دوره بدین معنا نیست که متکلمان با میراث فیلسوفان ناآشنا بوده و هیچ بهره‌ای از آن نبرده‌اند؛ زیرا این اندازه از کنش و واکنش معرفتی در همه حوزه‌ها و فرهنگ‌ها حتی آن‌جا که چندان هم از نظر موضوع و روش همسو نیستند، کاملاً رواج دارد. در حقیقت، در این مرحله ارتباط مستقیم و بهره‌مندی نظام‌مند دانش کلام از فلسفه هنوز اتفاق نیافتاده است و میان کلام و فلسفه در دوران نخستین، ارتباط مستقیم و اخذ و اقتباس‌های کلان، وجود ندارد. کسانی چون نظام و جاحظ از معتزله و پیشتر از آنها شخصیتی چون هشام بن حکم از میان

→ گزارش شده از دقت و جامعیت بیشتری برخوردار است؛ برای مثال، برای دیدگاهی دیگر می‌توان به تقسیم‌بندی جبرئیلی در کتاب سیر تطور کلام شیعه اشاره کرد. او در این کتاب ۸ مرحله برای کلام شیعه ذکر کرده است: (۱) مرحله تکوین (عصر پیامبر اکرم ﷺ)؛ (۲) مرحله گسترش (پس از پیامبر اکرم ﷺ تا اوایل سده دوم هجری)؛ (۳) مرحله تدوین موضوعی (قرن دوم و سوم هجری)؛ (۴) مرحله تبیین و تنظیم موضوعی (قرن سوم و چهارم)؛ (۵) مرحله ساختارمندی (قرن پنجم و ششم)؛ (۶) مرحله تحول و تکامل (قرن هفتم و هشتم)؛ (۸) مرحله شرح و تلخیص (قرن نهم تا چهاردهم)؛ (۹) مرحله اصلاح‌گری و پویایی (نیمه دوم سده چهاردهم به بعد).

امامیه، هرچند از اطلاعات پراکنده فلسفی بهره برده بودند، اما هیچ شاهد روشنی بر تعامل مستقیم و دستگاه‌مند با میراث فلسفی در میان متکلمان این دوره دیده نمی‌شود.

به عبارت دیگر، کلام اسلامی در این دوره از یک ادبیات مستقل عقلی در تبیین و دفاع از اندیشه‌های خویش بهره می‌گرفت که با ادبیات فلسفی مصطلح و رایج میان فیلسوفان فرسنگ‌ها فاصله داشت. این تفاوت تنها در نظام واژگانی نبود، بلکه نشان از تفاوت‌های عمیق معرفتی‌ای داشت که از دو دستگاه معنایی و معرفتی متفاوت سر برمی‌آورد.<sup>۱</sup>

این مرحله نخست در کلام اسلامی خود به سه دوره جزئی‌تر تقسیم می‌شود:

### دوره پیدایش و شکل‌گیری

این دوره از بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حدود سال ۸۰ هجری ادامه داشته است. در این دوره برخلاف ادعای سلفیه مباحث کلامی مطرح است، ولی هنوز به سطح نظریه‌پردازی نرسیده و به همین دلیل هنوز اسم کلام بر آنها اطلاق نشده است. همچنین مباحث کلامی در این دوره بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد؛ زیرا عمده اختلافات مسلمانان در این دوره به مباحث سیاسی مربوط می‌شود و این اختلافات به سختی بر روی مباحث اعتقادی تأثیر می‌گذارد.

فعالیت‌های کلامی در این دوره نیز در اصل صبغه‌ای شفاهی دارد و مکتوب نیست؛ جدل‌ها و گفت‌وگوهای کلامی<sup>۲</sup>، مناشدات<sup>۳</sup>، نامه‌ها<sup>۴</sup> و خطبه‌ها مهم‌ترین

۱. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۱۲-۱۴؛ همچنین نک: المدن، تطور علم الکلام الامامی، ص ۱۲۷-۱۷۷.

۲. درباره جدل و مجادله بین مسلمانان، نک: ابوزهره، تاریخ الجدل.

۳. مناشده آن است که صاحب دیدگاهی پس از اقامه دلایلش برای اثبات نظر خود دیگران را به اعتراف دعوت می‌کند؛ برای مثال، محمد بن جریر طبری در المسترشد فی الامامة ۶۱ مورد از مناشدات امام

منابع کلامی این دوره هستند و هیچ رساله کلامی مشخصی از این دوره سراغ نداریم. نتیجه آن که جزو بحث‌های عقیدتی در این دوره بیشتر در قالب «مسئله»‌های منفرد و مجزا بروز می‌کرد تا در سیاق بسته‌های فکری منسجم و مرتبط؛ از این رو، این دوران را دوره زایش و رویش اولیه علم کلام اسلامی می‌خوانیم.

### دوره تکوین کلام نظری

این دوره که دست‌کم یک سده ادامه یافت، از حدود سال ۸۰ هجری آغاز می‌شود. کلام اسلامی در این دوره به تبیین درون‌مایه‌های معرفتی متون وحیانی و یا ارتکازات جاری در جامعه مسلمانان پرداخت و از این رهگذر به شاخه‌ای مستقل از دانش‌های اسلامی بدل شد و نام و عنوان «کلام» بر آن نهاده شد. در این دوران کلام به تدریج جدا از کاربردهای اجتماعی و سیاسی، رنگ خالص اعتقادی پیدا کرد و به خودی خود اعتباری مستقل یافت و از این رو، نظریه‌پردازی‌های کلامی آغاز شد. در این دوره، فرقه‌های اعتقادی به صورت متمایز شکل می‌گیرد و مرزهای فکری گروه‌های مختلف، از هم جدا می‌شوند. شیعه، خوارج، معتزله و اهل حدیث به عنوان یک رویکرد کلامی سربرمی‌آورند و از سوی دیگر، قدریه و جبریه به ترتیب، در معتزله و اهل حدیث منحل می‌شوند.<sup>۲</sup>

→ علی علیه السلام را بیان کرده است (طبری، المسترشد، ص ۳۳۱-۳۳۶). همچنین دربارهٔ مناشد امام حسن علیه السلام با معاویه، نک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۸۸-۲۹۰ و دربارهٔ مناشد ابن عباس با ابن زبیر، نک: همان، ج ۹، ص ۳۲۵.

۱. ثقفی در الغارات نمونه‌های از این نامه‌ها را آورده است. امام علی علیه السلام در این نامه‌ها بر حقیقت خودشان، مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام، نظریهٔ امامت و علم خاص اهل بیت علیهم السلام تأکید فرموده است (نک: ثقفی، الغارات، ج ۱، ص ۱۹۵-۲۰۴).

۲. نک: رضازاده لنگرودی، «پژوهشی در مرجه».

در بُعد میراث نیز در این دوره مباحث کلامی به رشته تحریر در می‌آید و به صورت مکتوب در قالب رساله‌های موضوعی و کوچک ارائه می‌شوند<sup>۱</sup> و نگارش آثار کلامی به تدریج در پایان این دوره به یک نهضت علمی کم‌سابقه بدل می‌شود. مجادلات کلامی پراکنده و بی‌قاعده که در دوره نخست رواج داشت، در این دوره به تدریج قاعده‌مند شد و در قالب «مجالس» رسمی مناظرات کلامی با حضور نمایندگان گروه‌های فکری و با حضور داوران درآمد و به صورت رساله‌های علمی منتشر شد.<sup>۲</sup> «در حقیقت، این دوره را باید عصر پایه‌گذاری دانش کلام به حساب آورد؛ زیرا همه نشانه‌های پیدایی یک دانش مستقل در این دوره دیده می‌شود. با این همه به دلایلی که خواهیم گفت، این دانش به صورت رسمی در دوره سوم تأسیس شد».<sup>۳</sup>

### دوره تدوین جامع

گویا نخستین نشانه‌های این دوره، پس از استقرار حکومت مأمون و در آغازین سال‌های سده سوم هجری آشکار می‌شود. او در راستای سیاست خود به تقویت معتزلیان روی آورد و آنان را که از سال‌ها پیش به تجهیز فکری خویش پرداخته بودند، با حمایت مالی و سیاسی بر صدارت علمی جامعه اسلامی نشانده<sup>۴</sup>

۱. ابن ندیم، الفهرست، ۲۰۴ - ۲۲۴؛ نجاشی، رجال، ص ۴۳۳-۴۳۴.

۲. نجاشی، رجال، ص ۴۳۳ (کتاب المجالس فی التوحید و کتاب المجالس فی الامامة هر دو از هشام بن حکم)؛ ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۰۴ (کتاب المجالس از ابوالهذیل علاف).

۳. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۱۶.

۴. عباسیان از آغاز به دنبال جانشینی برای محدثان که عمدتاً به امویان گرایش داشتند، بودند و از این‌رو، با معتزلیان پیوندی نزدیک یافتند. عمرو بن عبید از دوستان نزدیک منصور خلیفه عباسی بود و این همراهی تا زمان مأمون به صورت جسته‌گریخته ادامه یافت.



معتزلیان با بهره‌گیری از این فرصت طلایی که با تضعیف اهل حدیث از یک سو و فترت کلام امامیه از دیگر سو، همزمان بود، توانستند کلام را به نقطه اوج شکوفایی خود رسانده و در عمل آن را به صورت یک دانش تمام‌عیار تأسیس کنند. پس از معتزله دیگر مذاهب کلامی با تأخیری چند دهه‌ای، به تدریج حداکثر تا پایان سده چهارم هجری دوران تدوین جامع خود را آغاز کردند. همان‌طور که در آینده به تفصیل بیان می‌کنیم، همین پیشتازی معتزله در تدوین جامع علم کلام از جمله عواملی است که در نهایت، سبب شد دیگر مذاهب کلامی نیز به ناچار تا اندازه‌ای رنگ و بوی معتزلی بگیرند.

به هر حال، در این دوره بر بنیادهای مفهومی نظریه‌ها تأکیدی افزون شد و در نتیجه، منظومه‌های اعتقادی بر پایه دستگاه‌های مفهومی منسجم که در آن زمان بدان «لطیف الکلام» و یا «دقیق الکلام» می‌گفتند، تشکیل یافت. بدین سان، کلام از دایره تنگ مسئله‌پژوهی رهایی یافت و از آن پس مسئله‌های جزئی در قالب چارچوب‌های کلان و در نسبت با دیگر قضایا مورد بحث و نقد قرار گرفتند. مکتب‌های کلامی به صورت کامل در این عصر شکل گرفت؛ شیعه، معتزله، خوارج، اهل حدیث، اشاعره، ماتریدیه و طحاویه، هر کدام دارای یک مکتب کلامی متمایز شدند. کلام امامیه نیز با ظهور شیخ مفید به دستاوردی تازه رسید و خطوط تمایز خود را از دیگر آراء و عقاید به دقت بازشناخت؛ البته، در خط کلام نص‌گرا اندکی پیش از شیخ مفید این دستاورد به وسیله شیخ صدوق حاصل آمده بود. در این زمان معمولاً تعداد عقاید دینی در هر مذهب شماره می‌شود و تلاش می‌شود تا اصول دین به تعداد خاصی محدود شود. تا پیش از این، هر چند اصول کلامی مورد بحث قرار می‌گرفت، ولی هنوز به صورت یک مجموعه محدود و معین در نیامده بود. کتاب‌های جامع کلامی از این دوره است که تدوین می‌شود و «اعتقادنامه»ها نیز در کنار کتب مفصل کلامی به بیان رؤس باورهای دینی در هر

مدرسه کلامی می‌پردازند.<sup>۱</sup>

بنابر آنچه گفته آمد می‌توان یک اختلاف اساسی در میان مورّخان علم کلام را در باب زمان پیدایش این دانش تا اندازه‌ای حل و فصل کرد. در تعیین زمان آغاز علم کلام دیدگاه‌های چندی ارائه شده‌اند؛ برخی پیدایش آن را به روزگار نبی مکرم اسلام ﷺ بازمی‌گردانند و برخی آن را تا آغازین سال‌های سده سوم به تأخیر می‌اندازند.<sup>۲</sup> می‌توان حدس زد که هر گروه با نظر به مراحل شکل‌گیری این دانش، از «آغاز کلام» معنایی متفاوت از دیگری اراده کرده‌اند و برای مثال، برخی اصل پیدایش انگاره‌های کلامی و برخی تکوین صورت نهایی آن را در نظر داشته‌اند.<sup>۳</sup>

### سیر تاریخی کلام امامیه در مرحله اصالت و استقلال

از آن‌جا که تاریخ کلام امامیه بخشی از تاریخ کلام اسلامی بوده و در بستر تحولات تاریخ کلام اسلامی جریان یافته، نمی‌توان آن را بیرون از تحولات عمومی کلام در جهان اسلام ارزیابی کرد و با وجود این که امامیه هم از نظر شرایط و هم از جهت منابع فکری، شرایطی متفاوت و ناهمگون با دیگر مذاهب داشته است، مراحل پیش‌گفته در تاریخ کلام اسلامی با اندکی تفاوت در تاریخ کلام امامیه نیز اتفاق افتاده است. بنابراین، کلام امامیه تا پایان مدرسه بغداد در مرحله اصالت و استقلال قرار دارد که دوره‌های پیش‌گفته را در این مرحله پشت سر نهاده است.

در نگاهی کلی به این مرحله از تاریخ کلام امامیه باید گفت:

همان‌گونه که کلام اسلامی تا سده چهارم هجری هیچ پیوند معنادار و

۱. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۱۸۱۷.

۲. ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ص ۵۹۱-۵۸۰.

۳. سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ص ۱۸.